



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

حمل و نقل در زبان انگلیسی | از وسایل نقلیه تا جمله‌های کاربردی

ارسال شده توسط مصطفی ساهری | مقالات زبان انگلیسی | ۷۷۳ بازدید | ۱۴۰۵/۰۴/۲۱

لغات حمل و نقل در انگلیسی

Transportation Vocabulary in English

+ مثال، ترجمه و تلفظ



zabanmaster.com



آموزش زبان انگلیسی مهم‌ترین لغات و عبارات‌های مربوط به وسایل نقلیه و جابجایی در زبان انگلیسی را همراه با مثال، ترجمه و تلفظ صوتی یاد می‌گیرید تا بتوانید در موقعیت‌های واقعی راحت‌تر صحبت کنید.

انواع اصلی حمل و نقل در زبان انگلیسی شامل این موارد هستند:

- حمل و نقل زمینی (Land Transportation)
- حمل و نقل هوایی (Air Transportation)
- حمل و نقل آبی (Water Transportation)

موضوعات این مقاله

۱ انواع حمل و نقل به انگلیسی

۲ مکان‌ها و بخش‌های مرتبط با حمل و نقل

۳ افعال پرکاربرد برای صحبت درباره حمل و نقل

۴ عبارات‌های کاربردی در حمل و نقل

۵ چند مکالمه کوتاه درباره حمل و نقل

۶ جمع بندی حمل و نقل در زبان انگلیسی

۷ سوالات متداول

بیشتر بخوانید: [انگلیسی در سفر](#)

انواع حمل و نقل به انگلیسی

وسایل حمل و نقل را براساس محل حرکت آن‌ها به سه گروه زمینی، هوایی و دریایی تقسیم کردیم. در ادامه، با مهم‌ترین وسایل هر گروه و کاربرد آن‌ها در جمله آشنا می‌شویم.

وسایل نقلیه زمینی

بخش بزرگی از رفت و آمدهای روزانه با وسایل نقلیه زمینی انجام می‌شود. خودرو، اتوبوس، قطار و دوچرخه از رایج‌ترین وسایلی هستند که برای رفتن به محل کار، مدرسه یا سفر میان شهرها از آنها استفاده می‌کنیم.



car

ماشین، خودرو

I usually go to work by car.

معمولا با ماشین سر کار می‌روم.

bus

اتوبوس

The **bus** comes every fifteen minutes.

اتوبوس هر پانزده دقیقه می آید.

taxi

تاکسی

We took a **taxi** because it was raining.

چون باران می بارید، تاکسی گرفتیم.

train

قطار

The **train** leaves at ۷:۳۰.

قطار ساعت ۷:۳۰ حرکت می کند.

subway

مترو

The **subway** is the fastest way to get downtown.

مترو سریع ترین راه برای رسیدن به مرکز شهر است.

tram

تراموا

You can take the **tram** to the old town.

می توانی با تراموا به بخش قدیمی شهر بروی.

motorcycle

موتورسیکلت

He rides his **motorcycle** to college every day.

او هر روز با موتورسیکلتش به کالج می رود.

bicycle / bike

دوچرخه

I enjoy riding my **bicycle** in the park.

از دوچرخه سواری در پارک لذت می برم.

scooter

اسکوتر

Many students use electric **scooters** to get around.

خیلی از دانشجوها برای رفت و آمد از اسکوترهای برقی استفاده می کنند.

truck (انگلیسی امریکایی) / lorry (انگلیسی بریتیش)

کامیون

The **truck** delivered goods to the supermarket.

کامیون کالاها را به سوپرمارکت رساند.

van

ون

They rented a **van** for their family trip.

آن‌ها برای سفر خانوادگی شان یک ون اجاره کردند.

minibus

مینی بوس

We took a **minibus** from the airport to the hotel.

برای رفتن از فرودگاه به هتل سوار مینی بوس شدیم.

coach

اتوبوس بین شهری، اتوبوس مسافرتی

The **coach** to Manchester leaves at noon.

اتوبوس منچستر ظهر حرکت می کند.

pickup truck

وانت، وانت بار

He uses a **pickup truck** to carry his tools.

او برای حمل ابزارهایش از وانت استفاده می‌کند.

shuttle bus

اتوبوس شاتل، اتوبوس رفت و برگشتی

A **shuttle bus** runs between the terminal and the parking lot.

یک اتوبوس شاتل بین ترمینال و پارکینگ رفت و آمد می‌کند.

بیشتر بخوانید: [واژگان مترو به انگلیسی](#)

وسایل نقلیه هوایی

وسایل نقلیه هوایی بیشتر برای سفرهای طولانی و جابه‌جایی سریع میان شهرها و کشورها استفاده می‌شوند. علاوه بر نام این وسایل، در سفرهای هوایی با چند واژه مهم درباره خدمه، فضای داخل هواپیما و حرکت آن نیز روبه‌رو می‌شویم.

plane / airplane

هواپیما

Our **plane** arrived twenty minutes late.

هواپیمای ما بیست دقیقه دیر رسید.

helicopter

هلیکوپتر، بالگرد

The injured climber was taken to the hospital by **helicopter**.

کوهنورد آسیب دیده با هلیکوپتر به بیمارستان منتقل شد.

jet

هواپیمای جت

The company owns a small private **jet**.

این شرکت یک هواپیمای جت خصوصی کوچک دارد.

hot-air balloon

بالن هوای گرم

We flew over the valley in a **hot-air balloon**.

با بالن هوای گرم بر فراز دره پرواز کردیم.

pilot

خلبان

The **pilot** welcomed the passengers before takeoff.

خلبان پیش از بلند شدن هواپیما به مسافران خوشامد گفت.

flight attendant

مهماندار هواپیما

The **flight attendant** showed us where to put our bags.

مهماندار هواپیما به ما نشان داد کیف‌هایمان را کجا بگذاریم.

cabin

کابین، فضای داخلی هواپیما

The lights in the **cabin** were turned off.

چراغ‌های داخل کابین خاموش شدند.

luggage / baggage

چمدان و بار مسافر

Your **luggage** is too heavy to take into the cabin.

چمدان شما برای بردن به داخل کابین بیش از حد سنگین است.

take off

بلند شدن هواپیما، به پرواز درآمدن

The plane **took off** on time.

هواپیما سر وقت از زمین بلند شد.

land

فرود آمدن

The **plane** landed safely despite the bad weather.

هواپیما با وجود هوای نامساعد، با ایمنی فرود آمد.

flight

پرواز

Our **flight** to Rome was very comfortable.

پرواز ما به رم بسیار راحت بود.

delay

تاخیر

The flight was **delayed** because of heavy rain.

پرواز به دلیل باران شدید با تأخیر انجام شد.

وسایل نقلیه دریایی

وسایل نقلیه دریایی برای جابه‌جایی مسافر و بار روی دریا، رودخانه و دریاچه استفاده می‌شوند. بعضی از آن‌ها برای سفرهای کوتاه روزانه و بعضی دیگر برای سفرهای طولانی یا تفریحی کاربرد دارند.

ship

کشتی

The **ship** is carrying goods to another country.

کشتی در حال حمل کالا به کشور دیگری است.

boat

قایق

They crossed the river by **boat**.

آن‌ها با قایق از رودخانه عبور کردند.

ferry

کشتی مسافربری، فِری

We took the **ferry** to the island.

برای رفتن به جزیره سوار کشتی مسافربری شدیم.

submarine

زیردریایی

The **submarine** can stay underwater for several months.

این زیردریایی می‌تواند چند ماه زیر آب بماند.

yacht

قایق تفریحی، کشتی تفریحی کوچک

They spent the weekend on a luxury **yacht**.

آنها آخر هفته را در یک قایق تفریحی لوکس گذراندند.

cruise ship

کشتی تفریحی

The **cruise ship** stopped at several Mediterranean ports.

کشتی تفریحی در چند بندر مدیترانه‌ای توقف کرد.

water taxi

تاکسی آبی

We used a **water taxi** to get to the hotel.

برای رسیدن به هتل از تاکسی آبی استفاده کردیم.

captain

ناخدا، کاپیتان کشتی

The **captain** asked everyone to stay inside.

ناخدا از همه خواست داخل بمانند.

crew

خدمه

The **crew** helped the passengers during the storm.

خدمه در طول طوفان به مسافران کمک کردند.

deck

عرشه کشتی

We stood on the **deck** and watched the sunset.

روی عرشه ایستادیم و غروب خورشید را تماشا کردیم.

sail

حرکت کردن با کشتی یا قایق، بادبانی حرکت کردن

They **sailed** along the coast for three days.

آن‌ها سه روز در امتداد ساحل با قایق حرکت کردند.

anchor

لنگر

The sailors dropped the **anchor** near the island.

ملوان‌ها در نزدیکی جزیره لنگر انداختند.

lifejacket

جلیقه نجات

All passengers must wear a **lifejacket**.

همه مسافران باید جلیقه نجات بپوشند.

lifeboat

قایق نجات

The crew showed us how to use the **lifeboat**.

خدمه به ما نشان دادند چطور از قایق نجات استفاده کنیم.

وسایل نقلیه هوایی



plane



helicopter



jet



hot-air balloon

وسایل نقلیه دریایی



ship



boat



submarine



yacht

zabanmaster.com



بیشتر بخوانید: آموزش تاکسی گرفتن به انگلیسی

مکان‌ها و بخش‌های مرتبط با حمل و نقل

هنگام استفاده از اتوبوس، قطار، هواپیما یا کشتی، با مکان‌ها و بخش‌های مختلفی روبه‌رو می‌شویم. شناخت این واژه‌ها برای پیدا کردن محل سوارشدن، خرید بلیت و پیگیری زمان حرکت ضروری است.

ایستگاه‌ها و محل‌های سوارشدن

bus stop

ایستگاه اتوبوس

The nearest **bus stop** is across the street.

نزدیک ترین ایستگاه اتوبوس آن طرف خیابان است.

bus station

پایانه اتوبوس، ترمینال اتوبوس

We arrived at the **bus station** early.

ما زود به پایانه اتوبوس رسیدیم.

taxi stand

ایستگاه تاکسی

There is a **taxi stand** outside the hotel.

بیرون هتل یک ایستگاه تاکسی وجود دارد.

train station

ایستگاه قطار

I'll meet you at the **train station**.

در ایستگاه قطار می‌بینمت.

subway station / metro station

ایستگاه مترو

The **subway station** is next to the shopping center.

ایستگاه مترو کنار مرکز خرید است.

platform

سکوی قطار

The train to Berlin leaves from **platform** six.

قطار برلین از سکوی شماره شش حرکت می‌کند.

airport

فرودگاه

We need to be at the **airport** by six.

باید تا ساعت شش در فرودگاه باشیم.

terminal

ترمینال، ساختمان پایانه

Our flight departs from **Terminal ۲**.

پرواز ما از ترمینال شماره دو انجام می‌شود.

gate

گیت، دروازه خروج

Passengers should go to **Gate ۱۴**.

مسافران باید به گیت شماره چهارده بروند.

runway

باند فرودگاه

The plane is waiting on the **runway**.

هواپیما روی باند فرودگاه منتظر است.

harbor / harbour

بندرگاه

Several fishing boats were in the **harbor**.

چند قایق ماهیگیری در بندرگاه بودند.

port

بندر

The ship arrived at the **port** in the morning.

کشتی صبح به بندر رسید.

dock

اسکله

The ferry is waiting at the **dock**.

کشتی مسافربری کنار اسکله منتظر است.

بیشتر بخوانید: آموزش مکالمه انگلیسی در فرودگاه

بلیت و زمان حرکت

ticket

بلیت

You need a **ticket** to enter the subway.

برای ورود به مترو به بلیت نیاز داری.

fare

کرایه

The taxi **fare** was higher than I expected.

کرایه تاکسی بیشتر از چیزی بود که انتظار داشتم.

travel card

کارت حمل و نقل، کارت سفر

You can use this **travel card** on buses and trains.

می‌توانی از این کارت برای اتوبوس و قطار استفاده کنی.

boarding pass

کارت پرواز

Please show your **boarding pass** at the gate.

لطفا کارت پروازتان را در گیت نشان دهید.

one-way ticket

بلیت یک طرفه

I'd like a **one-way ticket** to Oxford.

یک بلیت یک طرفه به آکسفورد می‌خواهم.

round-trip ticket / return ticket

بلیت رفت و برگشت

A **round-trip ticket** is usually cheaper.

بلیت رفت و برگشت معمولاً ارزان‌تر است.

ticket machine

دستگاه فروش بلیت

You can buy your ticket from the **ticket machine**.

می‌توانی بلیت را از دستگاه فروش بلیت بخری.

schedule / timetable

برنامه زمانی حرکت

Check the train **schedule** before you leave.

پیش از حرکت، برنامه زمانی قطار را بررسی کن.

route

مسیر حرکت

This bus **route** goes through the city center.

مسیر این اتوبوس از مرکز شهر عبور می‌کند.

departure

حرکت، خروج

The **departure** time has changed.

زمان حرکت تغییر کرده است.

arrival

ورود، رسیدن

Our expected **arrival** time is ۹:۱۵.

زمان مورد انتظار (تقریبی) رسیدن ما ساعت ۹:۱۵ است.

delay

تاخیر

There is a thirty-minute **delay**.

سی دقیقه تاخیر وجود دارد.

cancelled

لغو شده

Our train has been **cancelled**.

قطار ما لغو شده است.

direct train / direct flight

قطار مستقیم / پرواز مستقیم

Is there a **direct train** to Amsterdam?

آیا قطار مستقیمی به آمستردام وجود دارد؟

security check

بازرسی امنیتی

We had to wait in line at the **security check**.

مجبور شدیم در صف بازرسی امنیتی منتظر بمانیم.

customs

گمرک

We went through **customs** after collecting our luggage.

پس از تحویل گرفتن چمدان‌هایمان از گمرک عبور کردیم.

جاده، ترافیک و پارکینگ

road

جاده، خیابان

The **road** is closed because of an accident.

جاده به دلیل تصادف بسته است.

highway / freeway

بزرگراه، آزادراه

There was heavy traffic on the **highway**.

در بزرگراه ترافیک سنگینی وجود داشت.

traffic light

چراغ راهنمایی

Turn right at the **traffic light**.

کنار چراغ راهنمایی به راست پیچ.

traffic jam

ترافیک سنگین، راه‌بندان

We were stuck in a **traffic jam** for an hour.

یک ساعت در ترافیک گیر کرده بودیم.

rush hour

ساعت شلوغی

The trains are very crowded during **rush hour**.

قطارها در ساعت شلوغی بسیار پرازدحام هستند.

parking lot (AmE) / car park (BrE)

پارکینگ

We left the car in the airport **parking lot**.

ماشین را در پارکینگ فرودگاه گذاشتیم.

parking space

جای پارک

It took us twenty minutes to find a **parking space**.

پیدا کردن جای پارک بیست دقیقه طول کشید.

gas station (AmE) / petrol station (BrE)

پمپ بنزین

We stopped at a **gas station** to fill up the car.

برای بنزین زدن در یک پمپ بنزین توقف کردیم.

bike lane

مسیر مخصوص دوچرخه

Cyclists should use the **bike lane**.

دوچرخه سواران باید از مسیر مخصوص دوچرخه استفاده کنند.

bus lane

خط ویژه اتوبوس

Cars are not allowed in the **bus lane**.

ماشین ها اجازه ورود به خط ویژه اتوبوس را ندارند.

pedestrian area

منطقه مخصوص عابران پیاده

Cars cannot enter the **pedestrian area**.

ماشین‌ها نمی‌توانند وارد منطقه مخصوص عابران پیاده شوند.

ride-sharing app

اپلیکیشن درخواست خودرو

I booked a car through a **ride-sharing app**.

از طریق یک اپلیکیشن درخواست خودرو ماشین گرفتم.

بیشتر بخوانید: آموزش آدرس به انگلیسی

افعال پرکاربرد برای صحبت درباره حمل و نقل

برای جمله‌سازی درباره رفت و آمد، فقط دانستن نام وسایل نقلیه کافی نیست. باید بدانیم برای استفاده از هر وسیله، سوار شدن، حرکت کردن، توقف و رسیدن به مقصد از چه فعلی استفاده می‌شود.

رفتن با وسایل مختلف

take

سوارشدن یا استفاده کردن از یک وسیله نقلیه

I usually **take** the bus to work.

من معمولاً با اتوبوس سر کار می‌روم.

ride

سوارشدن و راندن دوچرخه، موتورسیکلت یا وسیله‌ای مشابه

She **rides** her bike to school every day.

او هر روز با دوچرخه به مدرسه می‌رود.

drive

رانندگی کردن

My father **drives** to work every morning.

پدرم هر روز صبح با ماشین به محل کارش می‌رود.

fly

با هواپیما سفر کردن، پرواز کردن

We're **flying** to Istanbul next week.

هفته آینده با هواپیما به استانبول می‌رویم.

travel

سفر کردن

I prefer to **travel** by train.

ترجیح می‌دهم با قطار سفر کنم.

commute

به طور منظم بین خانه و محل کار یا تحصیل رفت و آمد کردن

She **commutes** to the city by train.

او برای رفتن به شهر با قطار رفت و آمد می‌کند.

walk

پیاده رفتن

It's close enough to **walk**.

آن قدر نزدیک است که بتوانیم پیاده برویم.

کاربرد drive و take، ride

برای صحبت درباره وسایل حمل و نقل نمی توانیم همیشه از یک فعل استفاده کنیم:

- از take معمولا برای اتوبوس، قطار، مترو، تاکسی و هواپیما استفاده می کنیم.
- از ride برای دوچرخه، موتورسیکلت، اسکوتر و گاهی اسب استفاده می کنیم.
- از drive زمانی استفاده می کنیم که خودمان راننده ماشین یا وسیله نقلیه باشیم.

I **take** the subway to work.

من با مترو سر کار می روم.

He **rides** a **motorcycle**.

او موتورسواری می کند.

She **drives** to the office.

او با ماشین به اداره می رود.

سوار شدن و پیاده شدن

get on

سوار شدن به اتوبوس، قطار، مترو، هواپیما یا کشتی

We **got on** the train at the last minute.

ما در آخرین لحظه سوار قطار شدیم.

get off

پیاده شدن از اتوبوس، قطار، مترو، هواپیما یا کشتی

You need to **get off** at the next stop.

باید در ایستگاه بعدی پیاده شوی.

get in

سوار شدن به ماشین یا تاکسی

She **got in** the taxi and closed the door.

او سوار تاکسی شد و در را بست.

get out of

پیاده شدن از ماشین یا تاکسی

He **got out of** the car in front of the hotel.

او جلوی هتل از ماشین پیاده شد.

board

سوار شدن به هواپیما، قطار یا کشتی

Passengers are now **boarding** the plane.

مسافران در حال سوار شدن به هواپیما هستند.

hop on

سریع سوار شدن

We **hopped on** the next bus.

ما سریع سوار اتوبوس بعدی شدیم.

تفاوت get in و get on

برای وسایل نقلیه‌ای که می‌توانیم داخل آن‌ها بایستیم یا حرکت کنیم، معمولاً از get on و get off استفاده می‌کنیم:

- get on the bus
- get off the train
- get on the plane
- get off the ferry

برای ماشین و تاکسی معمولاً از get in و get out استفاده می‌کنیم:

- get in the car
- get out of the taxi

حرکت، توقف و رسیدن

leave

حرکت کردن، ترک کردن یک مکان

The bus **leaves** at eight o'clock.

اتوبوس ساعت هشت حرکت می‌کند.

depart

حرکت کردن، عازم شدن

The train **departs** from platform four.

قطار از سکوی شماره چهار حرکت می‌کند.

arrive

رسیدن

Our flight **arrived** on time.

پرواز ما سر وقت رسید.

reach

رسیدن به یک مکان یا مقصد

We **reached** the airport before noon.

ما پیش از ظهر به فرودگاه رسیدیم.

stop

توقف کردن

The bus **stops** near the university.

اتوبوس نزدیک دانشگاه توقف می‌کند.

wait

منتظر ماندن

We **waited** for the train for twenty minutes.

ما بیست دقیقه منتظر قطار ماندیم.

miss

جا ماندن از وسیله نقلیه

I woke up late and **missed** the bus.

دیر از خواب بیدار شدم و از اتوبوس جا ماندم.

catch

به موقع به اتوبوس، قطار یا وسیله نقلیه رسیدن و سوار شدن

We ran to **catch** the last train.

دویدیم تا به آخرین قطار برسیم.

change

عوض کردن وسیله یا خط حمل و نقل

You need to change trains in Cologne.

باید در کلن قطارت را عوض کنی.

transfer

تغییر خط یا وسیله نقلیه

You can transfer to the **subway** at this station.

در این ایستگاه می توانی خطت را به مترو تغییر بدهی.

رانندگی و کنترل وسیله نقلیه

park

پارک کردن

You can **park** your car behind the building.

می توانی ماشینت را پشت ساختمان پارک کنی.

reverse

دنده عقب رفتن

He **reversed** the car into the parking space.

او با دنده عقب ماشین را داخل جای پارک برد.

brake

ترمز کردن

The driver **braked** suddenly.

راننده ناگهان ترمز کرد.

accelerate

سرعت گرفتن، شتاب گرفتن

The car **accelerated** as it entered the highway.

ماشین هنگام ورود به بزرگراه سرعت گرفت.

speed up

سرعت را بیشتر کردن

We need to **speed up** or we'll miss the train.

باید سریع تر برویم، وگرنه از قطار جا می مانیم.

slow down

سرعت را کم کردن

Please **slow down** near the school.

لطفا نزدیک مدرسه سرعتت را کم کن.

turn

پیچیدن

Turn left after the bridge.

بعد از پل به چپ پیچ.

overtake

سبقت گرفتن

The driver **overtook** a slow truck.

راننده از یک کامیون آهسته سبقت گرفت.

pick up

دنبال کسی رفتن و او را سوار کردن

I'll **pick you up** from the station.

از ایستگاه دنبالت می‌آیم.

drop off

کسی را در مکانی پیاده کردن

Could you **drop me off** near the entrance?

می‌شود من را نزدیک ورودی پیاده کنید؟

بیشتر بخوانید: آموزش افعال پرکاربرد انگلیسی

عبارت‌های کاربردی در حمل‌ونقل

دانستن واژه‌های حمل‌ونقل زمانی مفیدتر می‌شود که بتوانیم آن‌ها را در موقعیت‌های واقعی به کار ببریم. عبارت‌های این بخش برای خرید بلیت، بررسی زمان حرکت، استفاده از اتوبوس و قطار، گرفتن تاکسی و بیان مشکلات رفت‌وآمد کاربرد دارند.

خرید بلیت و بررسی زمان حرکت

How much is the ticket?

قیمت بلیت چقدر است؟

How much is the fare?

کرایه چقدر است؟

I'd like a one-way ticket to London, please.

لطفا یک بلیت یک طرفه به لندن می‌خواهم.

I'd like a round-trip ticket, please.

لطفا یک بلیت رفت و برگشت می‌خواهم.

Can I buy a ticket here?

می‌توانم اینجا بلیت بخرم؟

Can I pay by card?

می توانم با کارت پرداخت کنم؟

What time does the train leave?

قطار چه ساعتی حرکت می کند؟

What time does the bus arrive?

اتوبوس چه ساعتی می رسد؟

When is the next train?

قطار بعدی چه زمانی حرکت می کند؟

Which platform does the train leave from?

قطار از کدام سکو حرکت می کند؟

Is there a direct train to Berlin?

آیا قطار مستقیمی به برلین وجود دارد؟

Do I need to change trains?

آیا باید قطارم را عوض کنم؟

How long does the journey take?

این سفر چقدر طول می کشد؟

Has the train been delayed?

آیا قطار تاخیر دارد؟

Why has the flight been cancelled?

چرا پرواز لغو شده است؟

استفاده از اتوبوس، قطار و مترو

Does this bus go to the city center?

آیا این اتوبوس به مرکز شهر می رود؟

Does this train stop at Oxford?

آیا این قطار در آکسفورد توقف می کند؟

Where should I get off?

باید کجا پیاده شوم؟

How many stops are there?

چند ایستگاه در مسیر وجود دارد؟

What is the next stop?

ایستگاه بعدی کجاست؟

Do I need to change lines?

آیا باید خط عوض کنم؟

Is this the right platform for the train to Paris?

آیا این سکوی درست قطار پاریس است؟

Is this seat taken?

این صندلی جای کسیست؟

Is anyone sitting here?

کسی اینجا نشسته است؟

Could you tell me when we get there?

می شود وقتی رسیدیم به من بگویید؟

Please let me know when we reach the last stop.

لطفا وقتی به ایستگاه آخر رسیدیم به من اطلاع دهید.

Could you help me with my luggage?

می شود برای جابه جایی چمدانم به من کمک کنید؟

Where can I put my bag?

کیفم را کجا می توانم بگذارم؟

گرفتن تاکسی

Could you call a taxi for me?

می شود برای من تاکسی بگیرید؟

Where can I get a taxi?

از کجا می توانم تاکسی بگیرم؟

Please take me to this address.

لطفا من را به این آدرس ببرید.

Could you take me to the airport?

می شود من را به فرودگاه برسانید؟

How much will it cost?

هزینه اش چقدر می شود؟

How long will it take?

چقدر طول می کشد؟

Could you use the meter, please?

لطفا تاکسی متر را روشن می کنید؟

Could you stop here, please?

می شود لطفا همین جا توقف کنید؟

Could you drop me off near the entrance?

می شود من را نزدیک ورودی پیاده کنید؟

Please wait for me here.

لطفا همین جا منتظرم بمانید.

Keep the change.

بقیه پول برای خودتان.

مشکلات رایج رفت و آمد

I missed the bus.

از اتوبوس جا ماندم.

We missed our train.

ما از قطارمان جا ماندیم.

I'm stuck in traffic.

در ترافیک گیر کرده‌ام.

The bus **is running** late.

اتوبوس با تاخیر می‌آید.

Our flight **has been** delayed.

پرواز ما تاخیر دارد.

My train has been cancelled.

قطار من لغو شده است.

I got on the wrong bus.

اشتباهی سوار اتوبوس دیگری شدم.

I got off at the wrong stop.

در ایستگاه اشتباهی پیاده شدم.

I can't find my platform.

نمی‌توانم سکوی قطارم را پیدا کنم.

I've lost my ticket.

بلیتم را گم کرده‌ام.

The ticket machine isn't working.

دستگاه فروش بلیت کار نمی‌کند.

There are no seats available.

هیچ صندلی خالی‌ای وجود ندارد.

My luggage hasn't arrived.

چمدانم / بارم نرسیده است.

We're going to miss our connection.

به وسیله نقلیه بعدی مان نمی‌رسیم.

Could you help me, please?

می‌شود لطفاً به من کمک کنید؟

بیشتر بخوانید: آموزش زبان انگلیسی

چند مکالمه کوتاه درباره حمل و نقل

در مکالمه‌های زیر، بعضی از واژه‌ها و عبارات‌های این درس را در موقعیت‌های واقعی می‌بینیم. مکالمه اول درباره خرید بلیت قطار است و مکالمه دوم میان مسافر و راننده تاکسی اتفاق می‌افتد.

خرید بلیت قطار

Passenger: Hi. I'd like a round-trip ticket to Manchester, please.

مسافر: سلام. لطفا یک بلیت رفت و برگشت به منچستر می خواهم.

Ticket Clerk: When would you like to return?

مسئول فروش بلیت: چه زمانی می خواهید برگردید؟

Passenger: Tomorrow evening. How much is the ticket?

مسافر: فردا عصر. قیمت بلیت چقدر است؟

Ticket Clerk: It's £۴۸. The next train leaves at ۱۰:۳۰.

مسئول فروش بلیت: ۴۸ پوند است. قطار بعدی ساعت ۱۰:۳۰ حرکت می کند.

Passenger: Is it a direct train?

مسافر: قطار مستقیم است؟

Ticket Clerk: No, you need to change trains in Birmingham.

مسئول فروش بلیت: نه، باید در بیرمنگام قطارتان را عوض کنید.

Passenger: Which platform does it leave from?

مسافر: از کدام سکو حرکت می کند؟

Ticket Clerk: Platform seven.

مسئول فروش بلیت: سکو شماره هفت.

Passenger: Thank you. Can I pay by card?

مسافر: ممنون. می توانم با کارت پرداخت کنم؟

Ticket Clerk: Yes, of course.

مسئول فروش بلیت: بله، حتما.

گرفتن تاکسی

Passenger: Excuse me. Are you available?

مسافر: بیخشید، آزاد هستید؟

Driver: Yes. Where would you like to go?

راننده: بله. کجا می خواهید بروید؟

Passenger: Please take me to the central train station.

مسافر: لطفا من را به ایستگاه مرکزی قطار ببرید.

Driver: Sure. We might be a little late because of the traffic.

راننده: حتما. ممکن است به خاطر ترافیک کمی دیر برسیم.

Passenger: How long will it take?

مسافر: چقدر طول می کشد؟

Driver: About twenty-five minutes.

راننده: حدود بیست و پنج دقیقه.

Passenger: Could you drop me off near the main entrance?

مسافر: می شود من را نزدیک ورودی اصلی پیاده کنید؟

Driver: No problem.

راننده: مشکلی نیست.

Passenger: Could you stop here, please?

مسافر: می شود لطفا همین جا توقف کنید؟

Driver: Of course. The fare is fifteen pounds.

راننده: حتما. کرایه پانزده پوند است.

Passenger: Here you are. Keep the change.

مسافر: بفرمایید. باقی پول برای خودتان.

Driver: Thank you. Have a nice day.

راننده: ممنون. روز خوبی داشته باشید.

جمع بندی حمل و نقل در زبان انگلیسی

در این درس با مهم ترین واژگان مربوط به وسایل حمل و نقل، مکان ها، افعال و عبارتهای کاربردی آشنا شدیم. یادگیری این کلمات به شما کمک می کند در موقعیتهای واقعی مثل خرید بلیت، استفاده از وسایل نقلیه عمومی یا گرفتن تاکسی راحت تر صحبت کنید.

سوالات متداول

تفاوت fare و ticket چیست؟

ticket به معنی بلیت است، اما fare به مبلغی گفته می‌شود که برای سفر یا استفاده از وسیله نقلیه پرداخت می‌کنیم.

برای سوار شدن به ماشین از get in استفاده می‌کنیم یا get on؟

برای ماشین و تاکسی از get in و برای اتوبوس، قطار، مترو و هواپیما از get on استفاده می‌کنیم.

حمل و نقل عمومی به انگلیسی چه می‌شود؟

برای حمل و نقل عمومی از عبارت public transportation یا در انگلیسی بریتانیایی public transport استفاده می‌شود.

«از اتوبوس جا ماندم» به انگلیسی چه می‌شود؟

می‌گوییم: I missed the bus.